

در شان باد راه انقلاب کبیر اکثر شوروی انقلابی که دنیا را تکان داد

هشتاد و نهمین سالگرد انقلاب اکتبر فرا میرسد. یاد آوری این انقلاب عظیم سوسیالیستی، درس آموزی و بیان تاثیرات آن بر نبرد طبقاتی پرولتاریا و خلقهای جهان بسیار حائز اهمیت است. انقلاب اکتبر نخستین دیکتاتوری پرولتاریا را مستقر ساخت و شاهراه نوینی بر روی کاروان بشری گشود. انقلاب در زیر پرچم لنین بزرگ انجام یافت. حزب کمونیست شوروی تحت رهبری او و سپس تحت رهبری ادامه دهنده کار او رفیق استالین دیکتاتوری پرولتاریا را در شرایط مداخله سهمگین سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، خونین و غیر خونین ازگزند دشمنان داخلی و خارجی مصون داشت و استوار گردانید، پاسداری از خلوص مارکسیسم-لنینیسم را نخستین وظیفه والای خود بشمار آورد، منحرفان چپ و اپورتونیستهای رنگارنگ و تسلیم طلبان و ندبه گران را از صفوف خود زدود و وحدت اصولی حزب را مانند مردمک چشم گرامی داشت.

در شرایط دشواری که انقلاب در اروپا فرومی نشست و فاشیسم سر بلند میکرد با تکیه بر نیروی لایزال خلق بساختمان سوسیالیسم دست زد، صنعتی شدن کشور را عملی ساخت، کشاورزی عقب مانده و انفرادی را بصورت کشاورزی مترقی کنوپراتیوی سوسیالیستی در آورد. حزب کمونیست شوروی تحت رهبری لنین و سپس استالین پرچم انترناسیونالیسم پرولتری را همواره افراشته نگهداشت و نشان داد که حکومت شوروی، این مولود پرولتاریای جهان، دژ نیرومند دفاع از کارگران و خلقهای ستمکش جهان، پلی است که انقلاب طبقه کارگر اروپا را با انقلاب خلقهای مستعمره و نیمه مستعمره پیوند میدهد. آنگاه فاشیسم هیتلری را هزنانه بر اتحاد شوروی حمله ور گردید. حزب کمونیست شوروی به رهبری رفیق استالین با بسیج توده های مردم و اتحاد استراتژی و تاکتیک جنگ انقلابی توانست دشمن زحمتکشان خون خواری را که تا دندان مسلح بود درکنام خود برلن از پای در آورد و زمینه پیروزی خلقهای اروپای شرقی را فراهم سازد. به این طریق حزب کمونیست شوروی بحق در مرکز احزاب کارگری و کمونیستی و دولت شوروی به حق در مرکز دولتهای سوسیالیستی قرار گرفت.

اما تجربه تلخ نشان داد که با وجود همه این پیروزیها امکان احیای سرمایه داری در کشور شوروی از میان نرفته است. نمونه یوگسلاوی و چین و... ثابت کرد که امکان تبدیل کشور سوسیالیستی به کشور سرمایه داری فقط از طریق حمله مسلحانه خارجی نیست، بلکه از طریق حمله ایدئولوژیک و سیاسی و فرهنگی داخلی نیز هست. اگر عناصری از بورژوازی بتوانند ستاد طبقه کارگر یعنی حزب کمونیست را از داخل تسخیر کنند خواهند توانست حزب و کشور را از راه سوسیالیستی براه سرمایه داری برگردانند. درکنگره 20 و 22 حزب کمونیست شوروی به رهبری خروشچف و دستیارانش که که سالها خود را در صفوف طبقه کارگر پنهان کرده بودند به کودتای رویزیونیستی در حزب و دولت دست زدند، مارکسیسم-لنینیسم را مورد حمله وحشیانه و کینه توزانه قرار دادند، حزب طبقه کارگر را تغییر ماهیت دادند و آنرا به " حزب همه خلق " تبدیل کردند، دیکتاتوری پرولتاریا را حذف نمودند و دیکتاتوری بورژوازی بوروکراتیک را بر حزب و دولت حاکم کردند و نام آن را " دولت تمام خلق " گذاشتند. با کسب قدرت سیاسی توسط دارو دسته خروشچف اتحاد شوروی از مرکز انقلاب جهانی به ضد انقلاب جهانی تبدیل شد و نهضت انقلابی جهانی را در دام " راه مسالمت آمیز " که همان راه پارلمانی سوسیال دموکراسی است انداختند و به نام " همزیستی مسالمت آمیز " به بند و بست با امپریالیستها و بویژه امپریالیسم آمریکا و به سوداگری بر سر حق حاکمیت ملتها مبارت جستند، درفش ظفر بخش انترناسیونالیسم پرولتری را بدور افکندند و بر سر هژمونی جهان با امپریالیسم آمریکا به رقابت پرداختند. شوروی سوسیال امپریالیستی به مدت سه دهه به خرابکاری و تفرقه جنبش کمونیستی و کارگری جهان مشغول بود و چنان تاثیرات مخربی بر جای گذاشت که سالها طول میکشد تا این اثرات مسموم را از اذهان کارگران و رهروان طبقه کارگرد پاک نمود.

کسانیکه دو دوره متفاوت تاریخ حزب کمونیست شوروی و دولت اتحاد شوروی را از یکدیگر نمی شناسند و شوروی را بعد از قدرت گیری خروشچف و شرکا سوسیالیستی ارزیابی کرده و " فروپاشی سوسیالیسم " را با روی کار آمدن

گرباچف و یلستین تحلیل میکنند در اشتباه عظیمی بسر میبرند و اینان هنوز در نیافته اند ماهیت دولت و حزب اتحاد شوروی بعد از خروشچف ضد کمونیستی، ضد انقلابی و مناسبات حاکم سرمایه داری انحصاری دولتی بوده است.

تجربه انقلاب سوسیالیستی اکتبر و لننیزم نشان داد که بدون حزب مارکسیستی – لننیستی که در نبردهای طبقاتی برضد ارتجاع، بورژوازی، امپریالیسم و فرصت طلبان رنگارنگ آبدیده شده باشد، بدون حزب کمونیستی که ستاد رهبری انقلاب توده های زحمتکش باشد نمی توان امرهائی پرولتاریا و سایر اقشار تحت ستم را از زیر هرگونه یوغی بسرانجام رسانید، و از پیچ و خمها و دامهای دشمنان انقلاب رهائی جست .

انقلاب اکتبر می آموزد که طبقه کارگر برای آنکه به هدف خویش که ایجاد جامعه ای بدون طبقه و بدون استثمار است نائل آید باید ابتدا قدرت سیاسی را بدست آورد. تنها با بدست آوردن قدرت سیاسی است که طبقه کارگر میتواند به آرمانهای خویش تحقق بخشد.

انقلاب اکتبر نشان داد که بدون اعمال قهر نمیتوان قدرت سیاسی و حکومت را به تصرف درآورد. قهری انقلابی و توده ای و نقشه مند به رهبری حزب پرولتاریا و درهم شکستن نظام سرمایه داری یکی دیگر از درسهای مهم و کلیدی انقلاب سوسیالیستی اکتبر است.

انقلاب اکتبر می آموزد برای پیروزی در مبارزه انقلابی و بخاطر جلب توده ها و رهبری آنها در راه انقلاب سوسیالیستی ناگزیر باید رویونیسم و اپورتونیسم را درهم شکست. بدون پیکاری پیگیر و همه جانبه با انحرافات سوسیال دموکراتیسم، آنارکوسندیکا لیسم، اکونومیسم، ترتسکیسم و انواع و اقسام انحرافات خرده بورژوائی و ضد حزبی در مقیاس ملی و بین المللی امکان پیروزی پرولتاریا وجود نخواهد داشت. مبارزه با سرمایه داری و امپریالیسم از مبارزه با رویونیسم جدانیست و نمی تواند باشد .

لننیزم مظهر این انقلاب سوسیالیستی کارگری با مشی قاطع خویش بر گنجینه مارکسیسم و سوسیالیسم علمی افزود، پرولتاریا و خلقهای ستمکش را با سلاحهای برائی مسلح نمود. تنها با این سلاح است که می توان اکتبرهای گذشته را در اشکال و شرایط جدیدی احیا نمود و بشریت را از شر بربریت سرمایه داری، امپریالیسم و تمام آثار بازمانده از قرون گذشته رهانید. اینست آنچه راه اکتبر می آموزد.

درخشان باد راه پرافتخار انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر !

افراشته باد پرچم ظفر نمون مارکسیسم-لننیزم!

حزب کار ایران (توفان)

اکتبر 2006

toufan@toufan.org

www.toufan.org